



## امام علی(ع) در کدام جنگ سقوط خلافت امویان را پیش‌بینی کردند؟

حضرت امام علی(ع) در جنگ صفین به مالک شتر فرمودند: مردی به نام ابومسلم از ناحیه مشرق ظهور کند و خداوند به وسیله او اهل شام را هلاک گرداند و حکومت را از ایشان بستاند.

حضرت امام علی(ع) در جنگ صفین به مالک شتر فرمودند: مردی به نام ابومسلم از ناحیه مشرق ظهور کند و خداوند به وسیله او اهل شام را هلاک گرداند و حکومت را از ایشان بستاند.

به گزارش خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس، در جنگ صفین، ناگاه لشکر شام، میمنه لشکر عراق را فراری داد، مالک اشتر سردار لشکر حضرت امیر علیه‌السلام در تلاش برای جلوگیری از متلاشی شدن سپاه، سربازان را با فریاد به بازگشت و ادامه جنگ فرا می‌خواند.

در این میان مالک اشتر شنید که حضرت می‌فرمود: ای ابومسلم بگیر ایشان را! حضرت سه بار این جمله را تکرار کرد.

مالک که به منظور حضرت پی نبرده بود خیال کرد منظور حضرت ابومسلم خولانی از سپاهیان شام است، به همین جهت به حضرت عرض کرد: آیا ابومسلم با لشکر شام نیست؟ حضرت فرمود: منظورم ابومسلم خولانی که در سپاه شام است نیست، بلکه مقصود من مردی است که از ناحیه مشرق ظهور کند و خداوند به وسیله او اهل شام را هلاک گرداند و حکومت را از ایشان بستاند.

و باز در طی نام‌های که به معاویه فرستاده فرمود: از طرف خراسان پرچم‌های سیاه ظاهر می‌شود و حکومت بنی امیه را برمی‌اندازد.

### \*مختصری از جریان قیام ابومسلم خراسانی

حوادث همانگونه شد که حضرت خبر داده بود، زیرا ابومسلم خراسانی به طرفداری از ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس و امامت او پرداخت، در خراسان کار او بالا گرفت، و لباس سیاه را شعار خود قرار داد و به سپاه خود دستور تا جامه سیاه بپوشند و پرچم سیاه بردارند و در رمضان سال 129 هجری به عنوان سردار لشکر ابراهیم عباسی قیام کرد و سرانجام پس از پیروزی‌های مکرر و آزادسازی مناطق بسیار سرانجام لشکر بنی امیه شکست خورده و آخرین آنها یعنی مروان حمار کشته شد،

گویند پس از کشته شدن، زبان او را قطع کردند و دور انداختند، گربه‌ای پیدا شد و زبان مروان را خورد و از عجائب روزگار آنکه قبل از این به دستور مروان زبان یکی از خادمین خود را که سخن چینی کرده بود بریدند و همین گربه زبان او را خورده بود!!

ابراهیم مذکور قبلاً به دستور مروان دستگیر شده بود و چندی در حران زندانی شد و چون از رهائی مأیوس گردید، و در وصیت نامه‌ای خلافت را برای برادر خود عبدالله سفاح قرار داد و نزد شخصی امانت نهاد، و سرانجام به دستور مروان سر او را در کیسه‌ای از آهک کردند، مدتی دست و پا زد و جان داد، و چون مروان به دست ابومسلم کشته شد برادر او عبدالله سفاح به خلافت رسید، و به این ترتیب در سال 132 هجری حکومت بنی امیه منقرض و حکومت بنی عباس آغاز شد.